

## **مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران**

**مدرسه علمیه زینبیه (سلام الله علیها) فارسان**

**عنوان مقاله**

**راهکارهای ارتقاء فرهنگ شهادت طلبی در جامعه**

**پژوهشگران:**

**فتانه رحیمی**

**فاطمه بهرامی**

**ذهرا اکبری**

**زمستان ۹۳**

## چکیده:

شهادت پربارترین واژه ای است که از شکوه خاصی برخوردار است، نموداری از تکامل ایمان، عمل صالح و مقاومت است کلمه ای که به تنها بی فرهنگی گستردۀ دارد که هر سطر و جمله اش گویای بعد والایی در حیات بشر است کشور ما نیز با توجه به همین مسئله توانست از فرهنگ شهادت طلبی بهره برد و در هشت سال دفاع دربرابر قدرتهای بزرگ استقامت نمایند. صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از چهارصد سال سرکوب اسلام، به رهنماود حضرت علی علیه السلام جامعه عمل پوشاند که فرمود: با پرهیز کاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید. پس می‌شود سیره جهاد اکبر و اصغر را توأم باهم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد به شرط آنکه با عمل باشد.

کلید واژه: شهادت، ایمان

در حقیقت پرمحتواترین عنوان در راستای تکامل انسان، از دیگاه متون اسلامی، عنوان شهید است، چنان که در روز گارانقلاب و کوران جنگ این واژه رایج ترین و حمامه ترین واژه است و به همراه آن شعاع تابناک و گسترده‌ای از عشق و شیدایی، ایثار و توانائی و بالاخره شوروایمان راستین جلوه گر است.

در زمان ما مبارزه با مرض، مبارزه با فقر، مبارزه با جهل اصطلاح شده و اعمال مقدسی نامیده می‌شود ولی البته هیچ کدام اینها به پای مبارزه با جهل مردم و با ظلم نمی‌رسد که فدا دادن لازم است و شهید با قطرات خون سرخ و زیبایش راه اصلی انسانها و خط اصیل سعادت بشر را علامت گذاری می‌کند تا رهروان، در وسط راه گم نشوند بلکه از پی او با نشانه به پیش بروند و به سعادت ابدی دست بیابند.

## حقیقت شهادت

شهادت پربارترین و عمیق ترین و بلقوه ترین واژه ای است که از قداست، شکوه، نورانیت و جذبه والای خاصی برخوردار است و با بارگنی و محتوای عمیقی که دارد نموداری است از تکامل ایمان و عمل صالح و مقاومت و شناخت و مبارزه و جهاد کلمه ای که به تنها بی، فرهنگی گستردگی دارد که هرسطرو جمله جمله اش گویای بعد والایی است در حیات بشر. فرهنگی که از مبدأ تاحیاتش از حضور، نظارت، آگاهی، انتخاب، هوشیاری و دقت، روشنلی، روشنگری، تسلیم و رضا، توکل، ایثار، تقویت، عبودیت و ایمان نعمه سرایی می کند. (مردانی نوکده، ۱۳۸۴: ص ۹۵)

در حقیقت، شهادت خون دوباره ایست که به کالبد نیمه جان جامعه وارد می گردد. خون این نهضت خلیفۃ اللہی در نظام اجتماعی به عنوان گویاترین و مؤثرترین کامل تبلیغ صدق و صفا، حق و حقیقت، آگاهی و سازندگی خواهد بود. از این روز که امام علی علیه السلام بعد از شهادت محمد بن ابی بکر به عبدالله بن عباس مینویسد: «به خداسو گند، اگر علاقه من به هنگام پیکار بادشمن در شهادت نبود و خود را برای مرگ در راه خدا، آماده نساخته بودم، دوست می داشتم، حتی یک روز با این مردمی که محمد بن ابی بکر را تنها گذاشتند، روبرو نشوم»

این، چه عشقی است که امام اول شیعیان حضرت علی علیه السلام این گونه از آن تعبیر می کند و آن را بزرگ و مهم می داند.

مرحوم استاد علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می گوید:

«شهادت، یکی از حقایق قرآنی است که در مورد متعدد یاد شده، دارای معنای وسیعی است، حواس عادی ما و نیروهای وجودی مانها صورت افعال را تحمل می کنند. حقایق اعمال و معانی نفسانیه، کفر و ایمان، شقاوت و سعادت، خیروشر، حسن و قبح و آنچه از دسترس حس، مخفی است و تنها با قلوب کسب می شود اینها از دیدانسان خارج است که نه بر آن احاطه و نه از آن احصاء است؛ برای حاضرین چه رسید برای غائبین اما شهیدان به ادراکی می رسند که براینها اشراف و از اینها مطلع و در کنارشان حضور دارند»

مجد و عظمت والای شهیدان، همواره تجلی بخش حیات امتها بوده است. تاریخ شهادت، تاریخ عقیده و جهاد و تمسک به اصول و مبانی اعتقادی است. اگر خون شهیدان نبود، که شجره طیبه رسالت راسیراب نماید، نه از اسلام خبری بود و نه از مکتب توحید بخش الهی اثری. اگر شهادت در کربلا و نهضت خونین عاشورا نمی بود، این اخلاص و دوستی که میلیونها انسان از صمیم قلب نسبت به اهل بیت پیغمبر پیدا کرده اند؛ به وجود نمی آمد. شهیدان جانهای خود را فدا کردند، جان بر کف نهادند، اما دینشان را از دست ندادند. تنها هدف آنها، اطاعت ازندای حق و اهیای دین الهی بود. انسان تازمانی که در حصار مادی خود و زمانش فرو رفته باشد، نمی تواند دم از منطق شهید بزند. چرا که اورا در حریم این معنا راهی نیست، مگر به عشق. بنابر گفته‌ی استاد بزرگوار شهید مرتضی مطهری:

«منطق شهید را با منطق افراد معمولی نمی شود سنجید. شهید را نمی شود در منطق افراد معمولی گنجاند. منطق او بالاتر است. منطقی است، با منطق عشق...» (مردانی نوکنده، ۱۳۸۴: ص ۹۶-۹۸)

### تعريف شهید و شهادت:

«شهادت، فناشدن انسان برای نیل به سرچشم نور و نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت، مرگی از راه کشته شدن است، که شهید آگاهانه و بخارط هدفی مقدس و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» انتخاب می کند. از عبارت فوق چنین نتیجه می گیریم، که هر مرگی نمی تواند شهادت باشد اولاً، باید این مرگ با کشته شدن باشد و ثانياً، این کشته شدن هم دوشرط اساسی دارد، تا شهادت بر آن ابلاغ گردد: ۱- آگاهانه باشد - ۲- فی سبیل الله باشد.

آگاهانه بودن به این معنا است که انسان خود با بصیرت، انتخاب گراین نوع مرگ باشد. شرط آگاهانه بودن، آن است که شهید، حق و باطل زمان خود را بشناسد و زیر لوای حق، در رکاب «امام زمان» خود، علیه باطل بجنگد.

کلمه شهید در لغت، به معنای «گواه» است، و در اصطلاح به کسی که در راه خدا کشته شده باشد، اطلاق می‌گردد. در این‌که چرا به کشته شده‌ی در «راه خدا» شهید می‌گویند، وجه مختلفی بیان گردیده است که در کتاب «لسان العرب» آمده است:

در تفسیر مجتمع البیان، در ذیل تفسیر آیه «ان لاخوف علیهم ولاهم يحزنون» . می گوید: مراد از اینکه به شهیدان بشارت می دهند که بیم و اندوهی برایشان نیست، این است که از گناهان گذشته خوفی ندارند، زیرا خداوند گناهانشان را با شهادت پاکی می سازد و از جدایی دنیا، اندوهناک نیستند، زیرا از لقاء آخرت بی اندازه خرسند و شادمانند.

به شهادت «فوز عظيم» گفته شده است، چراکه شهید باشهادت خود به هدف نهایی که لقاء پروردگار و مقام در جوار حق (عند ربهم) باشد، رسیده است. و در این مسابقه‌ی نهایی، پیروز شده و بعد از مسابقه‌ی نهایی، دیگر آزمایشی نیست.

حضرت علی (ع) می فرماید: «تحقیقاً مرگ طلب کننده‌ای است باشتاپ، ایستنده از چنگان مرگ نخواهد رفت و فرار کننده از مرگ، آن را نتوان نخواهند نمود. راستی که گرامی ترین مرگها، کشته شدن - در راه خدا - است. سوگند به آنکه جان پس ابوقطالب در دست اوست که هزار ضربت شمشیر بر من آسانتر از مرگ بربستر است .» (همان ۱۱۹-۱۱۷)

### انگیزه‌های شهادت طلبی و چرایی شهادت

«به طور خلاصه می توان انگیزه‌های شهادت طلبی را این گونه شمرد:

- ۱- رسیدن به تکامل و جاودانگی
- ۲- معامله سودمند با خداوند (تقدیم جان در برابر بهشت).
- ۳- اطاعت از خداور رسول و الامر.
- ۴- کمک به مستضعفین، برپایه عدالت و آزادی و رفع وظلم و فتنه.
- ۵- رسیدن به مقام والای شهادت، که والاترین نیکویی هاست.
- ۶- پالایش روح و آمرزش گناهان و نظر به وجه الله، پیوستن به لقاء الله و تقرب الى الله.
- ۷- امر به معروف، نهی از منکر، احیاء اشاعه‌ی سنتهای الهی، قبولی در امتحان الهی، ذلت ناپذیری و ایثار در راه ارزش‌های متعالی.

۸-الگوسازی برای جامعه از طریق حماسه آفرینی، تحریک عواطف و احساسات برای ترویج حق طلبی، انجام مسئولیت اجتماعی و حساسیت در مقابل سرنوشت جامعه.

۹-تزریق خون تازه به پیکر اجتماع و تقویت روحیه انقلابی در احاد مردم.

۱۰-انتخاب بهترین و هنرمندترین و زیباترین نوع مردن.

۱۱-حضور در صحنه جهاد فی سبیل الله که بستر شهادت طلبی است و ادای تکلیف.

۱۲-سیروسلوک معنوی وطی طریق در آخرین و والاترین مراحل عرفانی و فنا فی الله واثبات عشق حقیقی به معشوق.

(فرهنگ شهادت، یعنی اعتقاد به زندگی دوباره، اعتقاد به عدالت خداوند اعتقاد به آزادگی و سرافرازی و...)

معتقد به شهادت، هرگز تن به ذلت نمی دهد و برده کسی نمی گردد و همواره خود را بنده و محضر خداوند میبیند. وقتی انسان در دیدگاه وحی رشد و باور پیدا کرد که شهادت در راه خدا سود بزرگی است، با یقین به شهادت قیان می کند و به انبوه سپاه دشمن می تازد. چون از مرگ نمی هراسد و به زندگی پس از مرگ یقین دارد.

امام حسین(ع) در نامه ای به بنی هاشم نوشتند: «پس از ستایش پروردگار، همانا هر کس به من پیوست شهید خواهد شد، و هر کس به راه من در نیاید پیروز نخواهد گردید».

یعنی، با یقین قیام کرده ام و می دانم که آن بیزید خون مرامیریزند. اما راهی جز شهادت و شهادت طلبی وارد میدان مبارزه شود که برای پیروزی راهی جز شهادت باقی نماده است.

امام حسین(ع) در قیام عاشورا، توانست فرهنگ شهادت طلبی را زنده کند. ورنگ جاودانه زند که تاقیام قیامت هر آزادی خواهی باید حماسه عاشورا در خط خون و قیام و عزت واقتدار فریاد میزند.

«الموت اولی من رکوب العار؛ مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است» (همان، ۱۲۳ و ۱۲۲)

## علاقه به شهادت:

«شهادت، شریف ترین نوع مرگ‌ها است، رستگاری قطعی و کمال مطلق انسان است و قرآن از آن و به فوز عظیم یاد کرده است. مرحله‌ای است که انسان به وصال معشوق، نائل می‌گردد در جوار او، ماوی می‌گزیند «عند ربهم» و از همه عطاهای الهی متنعم و بهرمند می‌شود «یرزقون» مرحله‌ای است که در آن با نمایش زیباترین شکل رسیدن به معشوق، روز هجران و شب جدایی از محبوب، پایان می‌پذیرد و عاشق روسفید و سر بلند، با ایثار جان خود به وصال معشوق نائل می‌گردد.

آری، شهادت رستگاری قطعی و کمال مطلق انسان است و نائل شدن به آن، رسیدن به خورشید و آخرشدن پریشانی شبهای تار و دراز و پایان غربت انسان و غم‌های دل اوست و درست است که مرگ، انتقال از این دنیا، و لقاء خداو ندادست، ولی همان گونه که گفته شد است: شهادت از نوع لقایی است که عاشق، در ک محضر معشوق رامی کند و میان او و معشوق، پرده و حجابی نیست، برخلاف مرگ کفار که میان آنها و میان خداوند، حجاب است و برخلاف بسیاری از مرگ‌های طبیعی دیگر که بازمیان آنها و خداوند، حجاب است.

ولی مرگ به شهادت همان است که پیامبر فرمود: «ان ينظر في وجه الله» یعنی، شهید و وجه الله نظر می‌کند. و معلوم است، که انسان هرچه بیشتر عاشق خالق باشد بیشتر آرزوی این مقام و مرتبه از کمال را می‌کند و ائمه که کاملترین انسانها هستند، یکی از دعاها یشان، آرزوی شهادت است). «نکته‌ی دیگر اینکه، شهادت عالی ترین مرحله‌ی تکامل عملی انسان است، ولذا در میان اعمال، جایگاه خاصی دارد، بطوری که بالاتر از هر نیکی، نیکی هست، خبر شهادت در راه خدا که بالاتر از آن، نیکی ای نیست.

اکنون به خوبی قابل درک و احساس است که چرا خداوند، زنده بودن را با آن همه تاکید به شهدا، تخصیص میدهد و جایگاه آنها را «عند ربهم» بیان می‌کند و آنها رادر ردیف انبیاء و علماء، قرار میدهد) (همان، ۱۲۱ و ۱۲۰)

## نتیجه گیری:

تمام کسانی که به بشریت خدمت کرده اند حقی بربریت دارند، از راه علم یا صنعت و هنریا اکتشاف و اختراع و یا حکمت و فلسفه و ادب و اخلاق و از هر راهی، ولی هیچ کس به اندازه شهدای راه حق بربریت حق ندارد و از همین جهت هم عکس العمل بشریت وابرازعواطف بشر درباره آنها بیش از دیگران است. زیرا عدل و آزادی برای محیط اجتماعی بشر و برای روح بشر به منزله ی هواست برای تنفس ریه. عالم در علم خود و مکشف در اکتشاف خود و مربی و معلم اخلاق در تعلیمات خود و حکیم و فیلسوف در حکمت و فلسفه خود مديون و مدهون شهدا هستند و شهدا در کار خود مديون کسی نیستند. زیرا شهدا بودند که محیط آزاد به دیگران دادند تا آنها توانستند نوع خود را ظاهر کنند. شهدا شمع محفل بشریتند سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. (مطهری، ۱۳۸۸: ص ۲۴)

## فهرست منابع:

- الهی قمشه ای، مهدی.(۱۳۸۸). **قرآن کریم** . چ اول . قم: نشتا .
- ایازی، محمدعلی . (۱۳۸۴). **تفسیر قرآن مجیدبرگرفته از آثار امام خمینی** ج ۲ . تهران: نشر عروج.
- صدر، سیدرضا . (۱۳۸۵). **پیشوای شهیدان** . قم: مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم .
- سازمان بسیج طلاب و روحانیون. (۱۳۸۷) . **سیفران نور** . چ اول . تهران: بینا .
- مردانی نوکنده ،محمدحسین.(۱۳۸۴). **مهدویت و شهادت** . چ اول. تهران: شاهد.
- مطهری، مرتضی . (۱۳۸۸) . **حمسه حسینی** . چ چهل و هشت . بیجا: مؤسسه چاپ فجر انتشارات صدرا .